**جلسه 52-164**

**‌شنبه - 23/10/۹6**

**أعوذ باللّه من الشیطان الرجیم بسم اللّه الرحمن الرحیم الحمد للّه ربّ العالمین و صلّی اللّه علی سیّدنا محمّد و آله الطاهرین سیّما بقیّة اللّه في الأرضین و اللعن علی أعدائهم أجمعین.**

بحث در این بود که شخصی تحصیل ظن کرد، ‌نماز ظهرش را به یک جهت خواند، ‌برای نماز عصر ظن پیدا کرد به این‌که جهت مخالف آن قبله هست، ‌بحث در این بود که نماز عصرش را به جهت جدیده می‌‌خواند اما آیا لازم است نماز ظهرش را به همین جهت جدیده اعاده کند یا نه؟

صاحب عروه فرمود که اقوی این است که اعاده کند مگر این‌که اختلافش از این جهت جدیده کمتر از نود درجه باشد؛ که ما بین المشرق و المغرب قبلة.

مرحوم‌ آقای حکیم در مستمسک فرمود که اگر ما بگوییم یجزی التحری اجزاء واقعی است، ‌یعنی واقعا آن نماز به طرف قبله مظنونه صحیح است، خب بحث روشن است، اعاده لازم نیست. و لکن این خلاف ظاهر است. پس ظاهر این است که نماز ظهر اگر فی علم الله بر خلاف جهت قبله بوده، باطل است.

بعد مرحوم آقای حکیم فرموده که این ظن جدید به این‌که قبله در جهت مخالف هست، این اگر اماره شرعیه باشد، خب لوازمش هم حجت است. خود این یک مستندی می‌‌شود برای اعاده نماز ظهر. مثل این‌که بینه قائم بشود بر این‌که قبله آن جهتی نبود که نماز ظهرتان را خواندید، ‌خب باید نماز ظهرتان را اعاده کنید دیگه. و لکن ما معتقدیم، ‌مرحوم آقای حکیم فرمودند که این از باب حجیت اماره بر جهت جدیده قبله نیست، ‌تحری اماره نیست، موافقت ظنیه است. پس چرا نماز ظهرش را اعاده کند؟ ایشان فرموده بخاطر علم اجمالی. علم اجمالی دارد یا نماز ظهرش بر خلاف جهت قبله بوده است پس باید اعاده شود و یا این‌که اگر نماز ظهرش طبق جهت قبله بوده نماز عصرش را هم باید به همان جهت بخواند نه به این جهت مظنونه جدیده. علم اجمالی منجز است. من علم اجمالی دارم یا نماز ظهرم که در آن جهت الف خواندم خلاف واقع بود، خلاف قبله بود پس اعاده او واجب است، بعد از این‌که یجزی التحری اجزاء واقعی نیست و یا اگر نماز ظهرم به سمت قبله بود پس نماز عصرم را هم باید به همان سمت بخوانم نه به این سمت جدید. و این علم اجمالی منجز است.

بعد ایشان فرموده که بلکه علم تفصیلی هم پیدا می‌‌کنیم اگر بخواهیم نماز عصر را بدون اعاده نماز ظهر در این جهت جدیده بخوانیم علم تفصیلی پیدا می‌‌کنیم که این نماز عصر باطل است. چون یا نماز ظهرمان را به جهت قبله نخواندیم پس ترتیب بین نماز ظهر و عصر مراعات نشده یا اگر نماز ظهرمان را به جهت قبله خواندیم پس نماز عصرمان را داریم به خلاف جهت قبله می‌‌خوانیم.

مرحوم آقای خوئی در اشکال به مستمسک فرمودند اولا ما استظهارمان این است که یجزی التحری از باب اماریت است، اماره است این ظن. تا حالا من ظن داشتم به این‌که جهت الف قبله است، بعد از نماز ظهر ظن جدید پیدا کردم که جهت ب قبله است، شد اماره جدیده، ‌و این حکم می‌‌کند که تمام آثار واقع را بار کنیم و یکی از آثار واقع وجوب اعاده نماز ظهر است. اما جناب آقای حکیم!‌ اگر شما اصرار دارید که یجزی التحری از باب موافقت ظنیه است چرا می‌‌گویید فقط نماز ظهر را اعاده کند؟ مگه شما علم اجمالی‌تان این نبود که یا اعاده نماز ظهر واجب است اگر جهت اولی خلاف قبله بوده یا واجب است نماز عصر را در همان جهت اولی بخوانیم، ‌خب این علم اجمالی منجز است.

نگویید ایشان بعدا گفت علم تفصیلی به بطلان عصر داریم اگر نماز ظهر را اعاده نکنیم. آن مطلب درست است، ‌آقای خوئی به او ایراد ندارد. به آن علم اجمالی‌آی ایراد دارد که ایشان گفت فقط مقتضی اعاده نماز ظهر است. نه، علم اجمالی طرفینی است. آن وقت باید نماز ظهرمان را اعاده کنیم، ‌نماز عصرمان هم به جهت اولی بخوانیم و به جهت ثانیه. می‌‌شود چهار تا نماز. نماز ظهر را که خواندیم به جهت اولی، ‌بعد ظن پیدا کردیم به قبله بودن جهت ثانیه، آقای حکیم می‌‌گویند نماز ظهر را یک بار دیگه بخوانیم به این جهت ثانیه بخاطر علم اجمالی، خب اگر علم اجمالی منجز است، ‌علم اجمالی دارید یا نماز ظهر به جهت اولی باطل است و اعاده‌اش لازم است اگر جهت اولی قبله نباشد و یا این‌که نماز عصر را باید به آن جهت اولی بخوانیم‌ اگر جهت اولی قبله باشد. خب علم اجمالی اقتضاء می‌‌کند که نماز عصر را هم احتیاطا طبق جهت اولی بخوانیم، ظن جدید هم که یجزی التحری دارد و نماز عصر را به جهت جدیده هم بخوانیم.

ظاهر این است که این اشکال اشکال واردی هست.

منتها اینی که آقای خوئی فرمود که استظهار ما این است که تحری اماره معتبره است، کدام استظهار؟ بله، ظن به قبله حضرت فرمود مجزی است، اما این اجزاء اگر اجزاء ظاهری باشد، از باب موافقت ظنیه است یا از باب اماره‌ای است که لوازمش هم حجت است، ما چه می‌‌دانیم. جالب این است: این ظن به این‌که جهت ثانیه قبله است، ‌لازمه عقلیش این است که نماز ظهر را بر خلاف جهت قبله خواندیم، این لازم عقلیش است، ‌از باب این‌که قبله دو تا نیست. یجزی التحری می‌‌گوید ظن به جهت ثانیه مجزی است.

بر فرض این اماره باشد کی می‌‌گوید مثبتاتش حجت است؟

و لکن الذی یسهل الخطب ممکن است کسی بگوید آقا! یجزی التحری کی می‌‌گوید اجزاء ظاهری است؟ یجزی التحری، اجزاء واقعی است. چرا اجزاء ظاهری؟ بله، اگر بعد از نماز و قبل از خروج وقت منکشف بشود که ما آن نمازمان را خلاف جهت قبله خوانده بودیم، روایات می‌‌گوید اعاده کنید. ‌منکشف بشود، ‌روایت می‌‌گوید تبیَن. حصول ظن جدید که مصداق تبیُن نیست.

[سؤال: ... جواب:] نه، ‌اجزاء تحری اجزاء واقعی است خرج منه یک فرض و هو ما اذا تبین قبل خروج الوقت کون الصلاة علی خلاف جهة‌ القبلة. اما اگر تبین نشود، ظن جدید حاصل بشود، ‌او که مصداق تبین نیست. ... تبین غیر از حصول ظن جدید است بر خلاف ظن سابق. ... یجزی التحری اطلاق دارد. خرج منه ما اذا تبین کون تلک الصلاة علی خلاف جهة‌ القبلة. حصول ظن جدید به خلاف که مصداق تبین خلاف نیست.

روایت این است، ‌ما یک اطلاقی داریم که صحیحه زراره می‌‌گفت یجزی التحری ابدا اذا لم یعلم این وجه القبلة. صحیحه یعقوب بن یقطین می‌‌گوید سألت عبدا صالحا عن رجل صلی فی یوم سحاب علی غیر القبلة ثم طلعت الشمس و هو فی وقت، ‌أیعید الصلاة اذا کان قد صلی علی غیر القبلة و ان کان قد تحری القبلة بجهده أتجزیه صلاته؟ فقال یعید ما کان فی وقت. ببینید ثم طلعت الشمس، هوا ابری بود، ‌جهت قبله را تشخیص نمی‌داد، ‌آفتاب که آشکار شد، فهمید جهت غرب کدام است، با جهت غرب جهت شرق و جنوب را هم تشخیص داد، ‌آن وقت فهمید که نمازش را اشتباه خوانده بوده، ‌به جهت جنوب نخوانده بوده، امام فرمودند یعید ما کان فی وقت.

یا در صحیحه عبدالرحمن ابی عبدالله دارد: اذا صلیت و انت علی غیر القبلة و استبان لک انک صلیت و انت علی غیر القبلة و انت فی وقت فاعد و ان فاتک الوقت فلاتعد.

ما به نظرمان یجزی التحری اطلاقش اقتضاء می‌‌کند اجزاء‌ واقعی را کما این‌که یجزی المتحیر هم اطلاقش اقتضاء می‌‌کند اجزاء‌ واقعی را.

حالا آن اختلاف هست که متحیر نسبی هم داخل در یجزی المتحیر هم هست یا نه؟ ‌این را داخل پرانتز بگویم که ما آن روز ندیدیم کسی قائل بشود به این‌که اطلاق یجزی المتحیر شامل متحیر نسبی می‌‌شود ولی یجزی التحری را نوعا گفتند شامل تحری نسبی می‌‌شود، گفتند آقای زنجانی در رساله‌شان، ‌مراجعه کردیم همین‌جور بود، ایشان قائل شدند که متحیر شامل متحیر نسبی می‌‌شود. همانی که ما عرض می‌‌کردیم.

[سؤال: ... جواب:] یعنی اگر ظن داری این دو جهت قبله نیست ولی در دو جهت دیگر متحیری، در یکی از این دو جهت دیگر نماز بخوان کافی است.

مهم نیست، چه یجزی التحری و یجزی المتحیر شامل تحری و تحیر نسبی بشود یا نشود ما حرف‌مان این است که این یجزی ظاهرش اجزاء واقعی است الا ما خرج منه الدلیل، آنی که با دلیل خارج شد این است که استبان لک انک صلیت علی غیر القبلة، ظن به خلاف که استبانه نیست. و لذا نماز ظهرت را بر جهت اولی خواندی طبق ظن سابق، نماز عصرت را طبق ظن لاحق به جهت جدیده می‌‌خوانی، ‌نیاز ندارد اعاده کنی نماز ظهر را.

البته این مطلب ما خلاف مشهور بین معاصرین است، نوعا قبول کردند نظر صاحب عروه را که دارد الاقوی اعادة صلاة‌ الظهر. فقط کسی که دیدیم حاشیه زده آقای سیستانی است که فرمودند نیازی به اعاده نماز ظهر نیست مگر این تحری دوم مصداق استبانه بشود. همینی که ما عرض کردیم. روایت می‌‌گوید اذا استبان، ظن لاحق که استبانه نیست، اذا استبان اعد فی الوقت.

این بحث راجع به جایی است که ظن جدید به این باشد که قبله در نماز ظهر نود درجه یا بیشتر انحراف داشته اما اگر کمتر از نود درجه انحراف باشد، ‌ظن سابق ما به این بود که قبله به جهت الف هست، حالا ما ظن لاحق‌مان این است که هشتاد درجه آن طرف‌ترش قبله است، مشکل ندارد که؛ ما بین المشرق و المغرب قبلة. حتی در داخل وقت اگر انسان ملتفت بشود که انحراف از قبله داشته کمتر از نود درجه، روایت می‌‌گوید، در صحیحه معاویة‌ بن عمار دارد که: الرجل یقوم فی الصلاة ثم ینظر بعد ما فرغ فرأی انه قد انحرف عن القبلة یمینا او شمالا قال قد مضت صلاته و ما بین المشرق و المغرب قبلة. حتی در اثناء نماز هم باشد در موثقه عمار گفت:‌ اگر در اثناء نماز ملتفت بشوی که انحراف از قبله داری کمتر از نود درجه توجهْ الی القبلة و مضی فی صلاته.

[سؤال: ... جواب:] اطلاق یجزی التحری اقتضاء‌ می‌‌کند اجزاء واقعی را، ‌چرا حمل می‌‌کنید بر اجزاء‌ ظاهری؟ ... منتها دلیل آمد گفت اذا استبان فاعد. ... اذا استبان، اما ظن جدید به خلاف که استبان نیست.

مسأله 9: اذا انقلب ظنه فی اثناء الصلاة الی جهة اخری انقلب الی ما ظنه.

اگر در اثناء نماز، گفت أنا فی کل آنٍ رجل، اول نماز ظن پیدا کرد به این‌که قبله به جهت الف است، ‌وسط نماز ظن به خلاف پیدا کرد، ‌اگر ظن جدیدش به حدی است که انحراف اول نمازش کمتر از نود درجه می‌‌شود که گفتیم موثقه عمار گفته که فلیحول وجهه الی القبلة ساعة یعلم، ‌همان لحظه‌ای که در اثناء نماز ملتفت شد رو بکند به سمت قبله.

اما اگر انحرافش نود درجه به بالا باشد، اینجا دیگه همه می‌‌گویند باید نمازش را اعاده کند. فقط مرحوم آسید عبدالهادی شیرازی، این محقق بزرگ، فرموده مسأله سابقه با این مسأله فرقی نمی‌کند، ‌احوط اعاده نماز است و الا ممکن است کسی بگوید تا حالا یجزی التحری می‌‌گفت این دو رکعت به این سمت نماز خواندی، الان ظن پیدا کردی که قبله در جهت دیگر است، منحرف بشو به آن جهت دیگر، ‌یجزی التحری.

[سؤال: ... جواب:] احتیاط واجب می‌‌کند ایشان.

کما این‌که در مسأله سابقه هم ایشان می‌‌گوید احتیاط واجب این است که اعاده کند نماز ظهر را.

مرحوم آقای بروجردی و آقای سیستانی نه، در این مسأله موافقت کردند با صاحب عروه. اما در مسأله نماز ظهر و عصر آقای سیستانی گفت اعاده نماز ظهر لازم نیست، ‌مرحوم آقای بروجردی هم فرمود این‌که صاحب عروه می‌‌گوید الاقوی اعادة صلاة الظهر نه، ‌لاقوة فیه نعم هو الاحوط. اما آقای بروجردی در این مسأله حاشیه نزده. یعنی فرق گذاشته بین این‌که بعد از نماز ظهر ظن جدید پیدا کنیم بر خلاف ظن سابق، آنجا آقای بروجردی گفت لاقوة فی وجوب اعادة‌ صلاة الظهر نعم هو الاحوط. آقای سیستانی هم می‌‌گفت اصلا لاتجب اعادة‌ صلاة الظهر. در این مسأله هر دو بزرگوار موافقت کردند با فتوی صاحب عروه که نماز را باید از نو شروع کند. و این هم بعید نیست. چرا؟‌ برای این‌که هم یجزی التحری از این نماز این شکلی شبهه انصراف دارد. نمازی خواندم وسط نماز نود درجه جهتم را عوض کردم یا صد و هشتاد درجه جهتم را عوض کردم. و ثانیا آن آنِ متخلل را چه می‌‌کنید؟ آن آن متخللی که طبق ظن جدید ظن پیدا کردم ولی هنوز طبق همان ظن سابق رو به آن جهت اولی هستم، ، ظنم عوض شد، ‌ظن پیدا کردم به قبله بودن جهت اخری، آن آن، ‌ملتفتا منحرف هستم از قبله.

[سؤال: ... جواب:] کمتر از نود درجه ما بین المشرق و المغرب قبلة را خود روایت می‌‌گفت فلیحول وجهه در اثناء نماز ساعة‌ یعلم. ... کمتر از نود درجه مغتفر است اما بیشتر از نود درجه که ما بین المشرق و المغرب نیست.

[سؤال: ... جواب:] بخاطر حدیث لاتعاد اشکال نمی‌گیرند. ایشان مطلبی گفتند بگویم:

ایشان می‌‌گویند این دفاع شما از آقای سیستانی درست نیست. ما گفتیم آقای سیستانی که اینجا گفتند اعاده کند این نماز را از اول یک نکته‌اش این است که در آن آنی که متخلل است ظن به جهت ثانیه که پیدا کرد هنوز متوجه جهت اولی است، ‌آن آن مشکل دارد. ایشان می‌‌گویند آقای سیستانی حدیث لاتعاد را در آن متخلل جاری می‌‌دانند. مثل این‌که زنی ملتفت شد وسط نماز که موهایش بیرون است، سریع موهایش را می‌‌کند زیر چادر و نمازش را ادامه می‌‌دهد بر خلاف آقای خوئی و آقای تبریزی که می‌‌گفتند این نماز باطل است. می‌‌گفتند در این آنی که این زن ملتفت است که مویش بیرون است، یا آن مردی که ملتفت است که ما یجب ستره فی الصلاة بیرون است، او در آن آن اخلال به شرطیت ستر عن جهل او نسیان نیست، ‌عن عمد است؛ حدیث لاتعاد شامل نمی‌شود.

و لکن این مطلبی که ایشان از آقای سیستانی نقل کردند ربطی به اینجا ندارد چون که اینجا جای حدیث لاتعاد نیست، قبله جزء مستثنیات حدیث لاتعاد است و لذا نمی‌توانیم بگوییم این آن متخلل که اخلال به قبله کردی مهم نیست. این‌که نمی‌شود. باید رجوع کنیم به روایات خاصه، روایات خاصه هم می‌‌گوید فقط ما بین المشرق و المغرب قبلة.

[سؤال: ... جواب:] قطعا آن متخلل جزء نماز است.

[سؤال: ... جواب:] در مدینه شما وقتی که به سمت بیت المقدس می‌آیستید پشت به قبله است. در مسجد ذوالقبلتین این‌جوری است. او دیگه نص خاص است. دیگه ما اجتهاد در مقابل نص که نمی‌کنیم که. آنجا بحث نسخ قبله مسلمین بود، ‌دیگه آن وقت که خبر رسید متحول شدند به سمت قبله. ... اضطرار دارد به اخلال به قبله، اخلال به قبله که جزء حدیث لاتعاد نیست.

مسأله 10: یجوز لاحد المجتهدین المختلفین فی الاجتهاد، ‌شما یک مجتهد، خانم‌تان هم یک مجتهده، اما نه اجتهاد در فقه، ‌اجتهاد در تشخیص قبله، ‌گوش هم به حرف همدیگر نمی‌دهید. شما می‌‌گویید من ظن پیدا کردم که قبله به این جهت است، خانم شما هم می‌‌گوید من هم ظن پیدا کردم که قبله به این جهت دیگر است. و لکن شما را عادل می‌‌داند می‌‌خواهد به شما اقتداء بکند. صاحب عروه می‌‌گوید اگر اختلاف کم است که مضر به هیئت جماعت نیست اشکال ندارد ولی اگر عرفا بگویند این‌ها با هم قهرند، این چه نماز جماعتی است که تشکیل دادند، آخه اقتداء، مقتدی، ‌مقتدی‌به یک نوع هماهنگی باید بین‌شان بشود.

بعد صاحب عروه می‌‌گویند و لایکون بحد الاستدبار و نباید اختلاف بین این امام و ماموم در حد صد و هشتاد درجه یا حتی در حد نود درجه باشد.

[سؤال: ... جواب:] استدبار می‌‌شود صد و هشتاد درجه دیگه. او الیمین او الیسار. یمین می‌‌شود نود درجه، ‌یسار می‌‌شود نود درجه. پس اختلاف به اندازه نود درجه یا صد هشتاد درجه یا بین نود تا صد و هشتاد درجه، این مضر است.

اما این‌که اختلاف یسیر باشد، ‌آقای خوئی گفتند یسیر یعنی نود درجه.

حالا ما نفهمیدیم واقعا یسیر هست؟‌ مثلا هشتاد و پنج درجه اختلاف دارند با هم، آقا روبروی این ساعت ایستاده، خانم از غرب یک مقدار به سمت جنوب، می‌‌شود هشتاد و پنج درجه، خب این مردم نگاه بکنند به این‌ها، می‌‌گویند این چه نماز جماعتی است؟! آیا واقعا هشتاد و پنج درجه اختلاف یسیر است؟ اختلاف هشتاد و پنج درجه عرفا این هیئت جماعت نیست، ‌باید اختلاف کم باشد، اینقدر زیاد نباشد. حالا چهل درجه، ‌چهل و پنج درجه شاید این‌ها مخل به جماعت نباشد.

این یک مطلب.

مطلب دوم: آقا! شما جوری برخورد می‌‌کنید کانّه ما یک اطلاقی داریم در دلیل مشروعیت جماعت، ‌اصل بر مشروعیت نماز جماعت است، به شرط صدق هیئت جماعت بعد دنبال شرطش می‌‌گردید. مشکل ما در نماز جماعت که اینقدر رویش تاکید شده، این است که اطلاقی نداریم در مشروعیت نماز جماعت. یک اطلاق پیدا کنید!

حالا گاهی مربوط به کیفیت اقتداء است، مثل این‌که شما می‌‌خواهید دو رکعت اول را اقتداء کنید بعد فرادی کنید یا تردید دارید که فرادی بکنم در آینده یا نه، خود مرحوم آقای خوئی فرمود، مرحوم آقای تبریزی فرمودند، ما نمی‌توانیم بگوییم این جماعت صحیح است، ‌اطلاقی نداریم در مشروعیت جماعت که شامل اقتداء فی بعض الصلاة بشود به جوری که وسط نماز شما نقض بیعت بکنید نه این‌که امام سر دو رکعتی سلام بدهد، شما مجبوری نماز چهار رکعتی بخوانی، نه، ‌آنجا شما تا آخر وفادار بودی به این امام. نه، ‌آنی که شما یا جزما یا مرددا می‌‌خواهی وسط نماز جماعت رها کنی این امام را، ‌فردای بخوانی، اطلاقی نداریم در دلیل مشروعیت جماعت.

یا نسبت به جایی که امام جماعت ذوی الاعذار است. معلول جنگی است، اصابع پایش قطع شده یا اصابع دستش قطع شده، ‌خب نمی‌تواند وضع مساجد سبعه بکند بر زمین.

[سؤال: ... جواب:] کف دست. ... حالا کف دست. آن‌هایی که یک دست‌شان قطع شد یا یک پای‌شان قطع شده.

آقای سیستانی خواستند فرق بگذارند، بگویند این دومی می‌‌شود یک اطلاقی کرد، صل من تثق بدینه، پشت سر هر کسی که دینش را قبول داری می‌‌توانی نماز بخوانی، ان کان امام عدل فلاتقرأ خلفه، اگر امام عادل است حمد و سوره نخوان پشت سرش یعنی نماز جماعتت صحیح است. خب این عادل است، در راه خدا رفته و معلول شده، عادل است، پشت سرش نماز می‌‌خوانیم، ان کان اماما عدلا فلاتقرأ خلفه.

منتها مشکل این است که آیا این در مقام بیان این است که پشت سر هر عادلی می‌‌شود نماز خواند؟ یا در مقام بیان آن است که عدالت شرط امام جماعت است، پشت سر فاسق نمی‌شود نماز خواند‌. صل خلف من تثق بدینه، ‌مثل آن روز می‌‌گفتیم لاآکل من الطعام الا ما کان مالحا، قلد المجتهد. یعنی شرط خوردن من نسبت به غذا این است که نمک داشته باشد نه این‌که هر غذای بانمکی را و لو ملخ در او نمک بریزند من بخورم، نه دیگه، لاآکل من الطعام الا ما کان مالحا که این نیست. قلد المجتهد معنایش این نیست که، یا لاتقلد الا المجتهد معنایش این نیست که از هر مجتهدی تقلید بکنیم. شرطیت را دارد می‌‌گوید. اینجا هم شرطیت عدالت را دارد می‌‌گوید. و لذا در مقابلش گفته که و ان لم یکن امام عدل فإقرأ خلفه.

[سؤال: ... جواب:] در جایی که قرائت امام مشکل دارد، او یک اشکال خاصی است. او را می‌‌گویند چون امام تحمل می‌‌کند قرائت ماموم را، ضامن قرائت ماموم است، کسی ضامن قرائت من باید بشود که قرائتش صحیحه است. او حسابش جدا است، قرائت باید صحیحه بشود. اما اگر از حیث‌های دیگر ذوی الاعذار است اشکال ندارد. این نظر آقای سیستانی است و الا مشهور می‌‌گویند ذوی الاعذار نمی‌توانند امام جماعت بشوند. حتی امام هم نظرشان همین بود. البته حالا إما فتوی او احتیاطا، کار به او نداریم.

اشکال این است که صاحب عروه، ‌آقای خوئی و دیگران فرمودند اگر مخل نباشد این اختلاف بین امام و ماموم در جهت قبله، در تحری اختلاف دارند، اگر این اختلاف موجب خلل در صدق هیئت جماعت نباشد اشکال ندارد، به چه دلیل؟ به چه دلیل اشکال ندارد؟ وقتی که اطلاق نداریم در مشروعیت نماز جماعت کی می‌‌گوید اشکال ندارد؟ لاصلاة الا بفاتحة الکتاب، اصل اولی نماز فرادی است طبق نظر آقایان. نگاه کنید آقای خوئی هم در بحث صلات جماعت دارند. دلیل مشروعیت جماعت مخصص منفصل است، شک در مخصص منفصل زاید باعث می‌‌شود به عام رجوع کنیم. اشکال آقایان این است. و لذا اینجاها چه جوری شده که گفتند اصل بر مشروعیت جماعت است؟

[سؤال: ... جواب:] راجع به تیمم، ‌امام جماعت متیمم باشد، ‌وضوء جبیره‌ای داشته باشد دلیل داریم می‌‌شود به او اقتداء کرد. دلیل داریم، ما که اجتهاد در مقابل نص نمی‌کنیم. اما جایی که دلیل نداریم چطور؟ ... تعلیل چیست؟ ... فان الله جعل التراب طهورا کما جعل الماء طهورا، در خصوص طهور امام علیه السلام فرمودند مهم این است که امام جماعت طهور داشته باشد اما طهور مائی یا طهور ترابی فرق نمی‌کند، این دلیل می‌‌شود که سایر اعذار امام جماعت هم مغتفر است؟ ... کبری غیر مذکور صحت نماز جماعتی است که اختلاف در کیفیت طهور است نه این‌که اختلاف در جهات دیگر باشد.

این اشکالی است تامل بفرمایید!

آقای خوئی فرموده، این را هم عرض کنم، ان‌شاءالله فردا بحث را دنبال کنیم، آقای خوئی فرموده اگر اختلاف با امام به نحو نود درجه به بالا باشد منِ ماموم علم تفصیلی پیدا می‌‌کنم به بطلان نماز خودم. چرا؟ برای این‌که یا من به طرف قبله نیستم یا امامم، اگر امامم به طرف قبله نباشد پس نمازش باطل واقعی است بالتبع نماز من هم باطل می‌‌شود. پس یا نماز جماعت من بخاطر بطلان نماز امام باطل می‌‌شود یا بخاطر خلل در نماز خودم.

حالا این یک مطلب دیگری است. این مبتنی بر این است که اجزاء را واقعی ندانیم. اگر اجزاء را واقعی دانستیم یا مطلقا یا مادامی که در وقت انکشاف خلاف نشود دیگه این بیان پیش نمی‌آید. گاهی هم همان اختلاف نود درجه مضر نیست چون قبله ممکن است چهل و پنج درجه، وسط باشد، امام چهل و پنج درجه این ور قبله می‌آیستد، منِ ماموم چهل و پنج درجه این ور طبق ظن خودم، اینجا که علم تفصیلی به بطلان نماز خودم پیدا نمی‌کنم.

ولی مهم در مسأله این بحث است که آیا ادله مشروعیت جماعت اطلاق دارد که به آن رجوع کنیم بگوییم این جماعت صحیح است یا اطلاق ندارد، ان‌شاءالله فردا این بحث را دنبال می‌‌کنیم.